



## خانه کاموا

بوریس انواع کاموهای ایرانی و ترک

مدیریت: صیدانلو - ۰۹۳۹۵۶۷۴۹۶۵

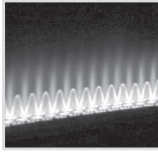
آدرس: گرگان، میدان مدرس، کوی طالقانی، طالقانی یکم، جنب آژانس کوهسار

آفت در کمین  
مزارع گلستان



۳

مصرف گاز گلستان  
در آستانه ثبت رکورد است



۳

سینما



۵-۴

# گلشن مهر

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۲۷۳۲ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

### یادداشت اول

## دانایی و توانایی

با مسولیت سردبیر

استاد سخن حضرت سعلی در بیتی  
دلنشین می فرماید:

خفتگان را خبر از عالم بیداران نیست  
تا غمت پیش نباید غم مردم نخوری

و در آن به یک نکته فلسفی پر  
اهمیت یعنی فاصله بین دانستن و

فهمیدن اشاره می کند، آنکه خواب  
است خبری از دنیای بیداری ندارد و

لاجرم تا بیدار نباشی نمی توانی درک  
دقیقی از زندگی داشته باشی، پس فرق

است بین دانستن و فهمیدن و تفاوت  
بسیاری است بین آنکه تا عمق وجود

مساله ای را درک کرده است با آنکه تنها  
به نگاهی سطحی بسنده کرده است و

گذشته است. آنکه دانایی در اعماق  
وجودش نشسته است لاجرم در رفتار

و گفتارش بذر دانایی ریشه می دواند  
و رشد و نمو می کند، دانایی به سان

میوه های پر بار یک درخت مثمر در  
وجود او ثمر می دهد و هر لحظه او را

به سان بهار در شکوفایی فرو می برد،  
انسان دانا به این خاطر تواناست که می

تواند بر خود احاطه یابد و با تسلط  
بر خود بسیاری از امور را سامان دهد،

لاابد بیت معروف حکیم بزرگ توس  
فردوسی را بسیار شنیده اید که

توانا بود هر که دانا بود  
زدانش دل پیر برنا بود

و ارتباط معنی دار دانایی و توانایی  
را بیان می کند، بر این اساس نمی

توان از فهم پدیده ها گذرا عبور کرد  
و به کنه هستی نیندیشید و مدعی  
فضل شد، آنها که صاحب فضلند

قطعا انسانهای دانایی هستند و  
آنها که دانایند بدون شک توانایند.  
به این خاطر در جامعه امروز ایران  
که شهروندان هر روز بیش از پیش  
در فرم و ظاهر سازی بیشتر فرو  
می روند، باید گفت دانایی گذر از  
فرم و اتصال به کنه حقایق است،  
جامعه فرم زده، جامعه ای ریاکار و  
سطحی است. شهروندانی که مدام  
در تلاش برای حفظ ظاهر و چشم  
و هم چشمی هستند و برای دهان  
و چشم دیگران برنامه ریزی می کنند،  
نمی توانند با قافله تمدن و دانش همراه  
باشند و از گردونه عقب می مانند.



سازمان همیاری در طرح  
نهضت ملی مسکن کنار دولت است

« ۸ »



دفتر پیشرفت  
بخش وشمگیر دایر شد

« ۸ »



مولفه های هواداری  
در قلعه عقاب ها

« ۷ »

# افتخار آفرینی کودکان گلستانی



اش، کتاب چرتکه اش را به دست می  
گیرد و تمرین می کند. او معتقد است  
کلاس های محاسبه ذهنی علاوه بر  
هوش ریاضی، بر تمامی جوانب زندگی  
تاثیر می گذارد و می گوید امیر مهدی تا  
سال گذشته محاسبات را با دستش انجام  
می داد و حالا فقط با نگاه کردن می تواند  
به پاسخ برسد و این بدین معنی است که  
چرتکه را در ذهنش تصور می کند؛ پس  
وقتی تصور تقویت می شود، درک از  
افراد هم بالاتر می رود به طوریکه طبق  
برداشتن من درک کودکان ما از هم سن  
و سالانشان ۷ الی ۸ سال بیشتر است و  
من در کارم که تدریس فلسفه و منطق  
در مقطع دبیرستان است، گاهی برای  
استدلال ها و حتی محاسبه میانگین  
نمرات دانش آموزانم از امیر مهدی  
کمک می گیرم و او در لحظه پاسخ  
سوالات منطق را با تحلیل می دهد و  
معدل ۴۰ الی ۵۰ دانش آموز را با نگاه  
کردن بسیار سریعتر از ماشین حساب به  
من می گوید.

ادامه در صفحه ۲

۱۱ ساله، از ۵ سالگی تمرینات  
چرتکه را شروع کرد و تا سن ۱۰  
سالگی ترم های کلاس های چرتکه  
را به پایان رساند و در یک سال گذشته  
خود به تنهایی و در منزل به تمرین  
می پرداخت. او که به گفته خودش با  
تشویق پسرخاله اش به کلاس های  
چرتکه رفت و تصور این که تا این حد  
در چرتکه و محاسبات ذهنی پیشرفت  
کند را نداشت و حالا دارنده ی چندین  
مقام در سطح استان، کشور و جهان  
است. امیر مهدی دارای ۳ رتبه استانی،  
۱ رتبه دوم کشور و ۱ قهرمان کشور و

کوثر قندهاری - مسابقات جهانی  
چرتکه چندی پیش با رقابت ۲۴  
کشور در شهر بمبئی هندوستان برگزار  
شد. تا اینجا یک روال عادی و هر سال  
بود، اما وقتی متوجه می شویم ایران مقام  
اول جهان را کسب کرده است، داستان  
کمی متفاوت می شود و وقتی متوجه  
می شویم ۳ کودک از شهر گرگان در تیم  
ایران بودند و در برابر نوابغ سراسر جهان،  
مقام اول قهرمانی را کسب کردند، بسیار  
جالب تر می شود. امیر مهدی سیدالنگی،  
کوروش ربیعی و محمد پارسا تمسکنی  
زاهدی سه کودک نابغه گرگانی هستند  
که در مسابقات جهانی چرتکه شرکت  
کردند و مقام اول جهان را کسب کرده  
اند. لازم به ذکر است امسال نخستین  
سالی بود که استان گلستان در مسابقات  
جهانی شرکت کرد و سه کودک گرگانی  
با دست پر به وطن و شهر بازگشتند.  
پیش از این نبض محاسبات ذهنی کشور  
در دستان کودکان کرمانشاه بود اما امسال  
۳ نابغه گرگانی با حضور پررنگشان در  
مسابقات، محاسبات کشور را جایجا  
کرده اند. امیر مهدی سید النگی کودک

## ادامه تیتراول

و رتبه قهرمانی که آرزوی بسیاری از کشورهاست را اخذ کرده اند و در میان نوابغ جهان به خوبی درخشیده اند اما کسی از مقامات حتی یک خدایوت ساده به فرزندان ما نگفت که انگیزه ای برای سال های بعد آنان شود. او می گوید تاکنون فقط حمایت های مربیان موسسه را داشتند و الان به یقین رسیده ام که این بچه ها اصلا دیده نمی شوند و این اتفاق خوبی نیست چرا که باید این کودکان تحت نظر یک ارگان یا بنیادی قرار بگیرند تا استعدادهایشان به خوبی پرورش داده شود. مادر امیرمهدی سید النگی با بیان اینکه تمامی هزینه های سفر که بسیار هم زیاد بود را با هزینه شخصی پرداخت کرده ایم و هیچ ارگانی حمایت و اسپورت نکرده است، می گوید: قبل از رفتن به هندوستان؛ یکی از اعضای شورای شهر به ما گفتند به شما قول می دهیم که اگر بچه ها در این سفر مقامی بیآورند، حتما از آنان تجلیل می کنیم اما اکنون که بچه ها مقام آوردند از عهده یک تجلیل ساده هم برنیامدند و تاکنون تجلیلی صورت نگرفته است حتی شهرداری از زدن بنر بچه ها در سطح شهر ممانعت می کند و با وجود اینکه موسسه چندین هفته بنرهای بچه ها را آماده کرده است اما هنوز در سطح شهر نصب نشده است. علاوه بر استانداری و شهرداری، آموزش و پرورش که ارتباط مستقیم با دانش آموزان دارد نیز با وجود اطلاع از این موفقیت تاکنون هیچ اقدامی در جهت تجلیل و حمایت از این کودکان انجام نداده است و فقط مدارس امیرمهدی و کوروش که مدارس غیرانتفاعی هستند به خوبی از این دو دانش آموز تجلیل کرده اند و این در صورتی است که از محمدپارسا که در مدرسه ای دولتی در روستای آهنگرمرحله تحصیل می کند، هیچ تجلیلی صورت نگرفته است. لازم است بگویم که مدرکی که این ۳ نابغه گرگانی از هندوستان با خود به ایران آورده اند معادل دو فوق لیسانس و شاید بیشتر نیز باشد و تمامی کشورها به جز ایران برای این مدرک سرو دست می شکنند. خانواده های این ۳ کودک می گویند چنانچه عدم حمایت ها ادامه دار باشد، حتما روزی فرزندان

علاوه بر اینها تقویت هوش ریاضی باعث تقویت هوش موسیقایی و هنری نیز می شود و امیر مهدی در کلاس های آواز، گیتار و پیانو نیز شرکت می کند و به گفته مربیان در این کلاس ها نیز نخبه است به همین دلیل من هرکسی را می بینم پیشنهاد می دهم بچه ها را از سن پایین که حدود ۵ سالگی است به کلاس های چرتکه بفرستند، البته نباید اجبار باشد و اگر اجبار باشد بچه عقب می کشد و فایده ای ندارد.

کوروش ربیعی دانش آموز ۸ ساله هم که یک سال از مدرسه را جهشی خوانده است و اکنون در کلاس سوم مشغول به تحصیل است. او نیز از ۵ سالگی کلاس های چرتکه را شروع کرد و اکنون دارای مقام های متعددی در استان، کشور و جهان است. کوروش زمانی که هنوز به مدرسه نرفته بود و سواد نداشت، توانست رتبه سوم کشوری را در مسابقات محاسبه ذهنی از آن خود کند و امسال نیز مقام قهرمانی را در سطح استان، کشور و جهان از آن خود کرد. کوروش آرزو دارد در آینده پزشک جراح شود و دکتر سمیعی دیگری برای ایران شود. او نیز علاوه بر هوش ریاضی و محاسبات ذهنی در موسیقی نیز فوق العاده است و در کلاس های پیانو، فلوت و آواز به خوبی درخشیده است. مادر کوروش می گوید: هنگامی که کوروش به کلاس های چرتکه رفت، سواد نداشت و ابتدا باید اعداد لاتین را یاد می گرفت اما به آرامی وارد این جریان شد و متوجه شدیم استعداد فوق العاده ای دارد و بیشتر از چیزی که انتظار داشتیم، یادگرفته است. او می گوید: در محاسباتی که باید از چرتکه استفاده شود، بچه های ما به صورت ذهنی حساب می کردند، بنابراین ابتدا مسابقات کشوری را در سال ۱۴۰۱ شرکت کرد



آینده پروفیسور شود تاکنون در مسابقات متعددی من جمله مسابقات آنالین، استانی، کشوری و اکنون جهانی رتبه اول را از آن خود کرده است. مادر محمد پارسا می گوید: در ۶ سالگی وقتی دیدم پارسا به طور خودجوش اعداد را در ذهنش جمع و کم می کند و علاقه خاصی به محاسبات ذهنی دارد، مسئله را با مربی مهدش در میان گذاشتم و ایشان مرا راهنمایی کردند که محمد پارسا را به کلاس های چرتکه بفرستم و خود ایشان نیز با عوامل کلاس های چرتکه صحبت کردند و آنان به روستای محل زندگی مان یعنی آهنگرمرحله آمدند، و در کلاس ها متوجه شدند سطح پارسا از کلاسی که در آن هست بسیار بالاتر است، بنابراین او را به کلاس های بچه های سن بالاتر فرستادند اما پارسا در آنجا نیز بسیار قوی عمل کرد و در نهایت به کلاس های موسسه در گرگان آوردمش و از همان زمان سرسختانه تمرین را شروع کرد و در مسابقات مختلف شرکت کرد. او نیز معتقد است محاسبات ذهنی بر جنبه های مختلف زندگی تاثیر می گذارد و می گوید: نقاشی محمد پارسا فوق العاده است. هر یک از این بچه ها با وجود سن کمی که دارند، سالها و ماه ها هر روز به طور مداوم چندین ساعت مشغول تمرین و تکرار بودند و حداقل روزی ۴۰۰ الی ۵۰۰ عدد تمرین می کردند و از تمامی تفریحات مناسب سنشان گذشتند تا بتوانند به این مقام و رتبه برسند. این آزمون که شامل ۷ صفحه است و در هر صفحه ۲۰ جمع، تفریق، اعشار چند رقمی وجود دارد که باید به مدت تنها ۳ دقیقه پاسخ دهند. بعضی از بچه های شهرها و کشورهای دیگر این محاسبات را با چرتکه انجام می دهند اما ۳ دانش آموز گرگانی بر اثر تمرین و تکرار مداوم و بسیار می توانند به صورت ذهنی انجام دهند و آنقدر این کار را با سرعت و حرفه ای انجام داده اند که در روز مسابقه باعث تعجب سایر مربیان از شهرها و کشورهای دیگر شده اند. و در روز مسابقه در هندوستان خبرنگاران سایر کشورها که متوجه مقام اول این کودکان شده بودند با اشتیاق فراوان در صف می ایستادند تا از این کودکان عکس بگیرند. چرا که آنان برخلاف مسئولین کشوری و استانی ما به خوبی متوجه شده بودند که آینده جهان در دستان این ۳ نابغه گرگانی است. اما برخلاف استقبال جهانی در ایران و استان گلستان تاکنون هیچ ارگانی آنطور که باید و شاید از این بچه ها حمایت و تجلیل نکرده است و کار این بچه ها اصلا دیده نشده است. مادر امیر مهدی ضمن بیان گله مندی های فراوان از مقامات شهری و استانی می گوید: وقتی در یک مسابقه ورزشی، مقامی آورده می شود، تجلیل و حمایت های فراوانی صورت می گیرد اما بچه های ما با وجود اینکه سال اول در این مسابقات جهانی شرکت کرده اند



ما نیز مانند سایر نوابغ ایرانی و مریم میرزاخانی از ایران مهاجرت می کنند و به کشوری می روند که قدر آنان را بدانند. آن زمان دیگر هیچ فایده ای ندارد که بگویم فلان نابغه، ایرانی یا گرگانی است. ما نیز بعنوان شهروندان این مرزوبوم از تمامی مقامات کشوری، استانی، شهری و نمایندگان مجلس که این روزها باری دیگر سودای صندلی های مجلس و قدرت را در سر دارند تقاضا داریم نوابغ شهرمان را دریابند و اجازه ندهند استعداد این بچه ها نادیده گرفته شود و انگیزه آنها از بین برود، همچنان تقاضا داریم به این کودکان رسیدگی شود قبل از آنکه دیر شود.

و با اینکه آن زمان کوروش خیلی کوچک بود اما توانست رتبه سوم کشوری را به دست آورد و پس از بازگشت از مسابقات به صورت خیلی حرفه ای شروع به تمرین کرد و پس از آن ابتدا مقام قهرمانی استان، سپس قهرمانی کشور و در نهایت قهرمانی جهان را کسب کرد. مادر کوروش نیز معتقد است محاسبات چرتکه باعث فعال شدن همزمان دو نیمکره چپ و راست می شود و به همین دلیل بر روی اعتماد به نفس، سرعت، دقت و حافظه موسیقی و فن بیان بچه ها تاثیر بسزایی دارد. محمد پارسا تسکینی زاهدی ۸ ساله است و از ۶ سالگی کلاس های چرتکه را آغاز کرده است. او که قصد دارد در

# آفت در کمین مزارع گلستان



زراعی غالب است در صورتی که با آن مبارزه نشود تا ۷۰ درصد می‌تواند به مزارع کشاورزی خسارت وارد کند. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان از کشاورزان خواست در اسرع وقت نسبت به سمپاشی مزارع خود اقدام کنند و گفت: کشاورزان از اختلاط سموم با کودهای ریزمغذی پرهیز کنند. مهقانی شیوع بیماری‌های گیاهی را آسیب دیگر مزارع کشاورزی گلستان برشمرد و توضیح داد: شرایط آب و هوایی و میزبان در شیوع آفات و بیماری‌ها تاثیر به سزایی دارند که تمامی این شرایط برای گسترش آفات و بیماری در مزارع در گلستان وجود دارد. وی از شیوع بیماری زنگ گندم در برخی مزارع گندم استان خبر داد و یادآور شد: مزارع کشاورزی گلستان تا این لحظه در وضعیت خوبی قرار دارند اما کشاورزان در ادامه، نسبت به شیوع آفات و بیماری‌ها در مزارع خود هوشیار باشند و بازدیدهای مستمر داشته باشند. آفت زنگ زرد یکی از مهمترین بیماری‌های گندم در دنیا و ایران محسوب می‌شود و در مواقعی که مزرعه دارای رطوبت بالا باشد به سرعت گسترش می‌یابد. این آفت به صورت جوش یا تاول‌هایی به رنگ زرد مایل به نارنجی روی برگ‌های محصول ظاهر شده سپس این جوش‌ها به سرعت به هم پیوسته و نوارهایی در امتداد رگبرگ‌ها در هر ۲ سطح برگ نمایان می‌کنند که به‌دنبال آن به کل محصول آسیب می‌زند. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با بیان اینکه در حال حاضر بیماری زنگ گندم در مزارع غرب استان گزارش شده است، گفت: همه بیماری‌های لکه‌برگی از یک نقطه شروع شده و به سایر بخش‌ها گسترش پیدا می‌کند که می‌تواند اقدامات مقابله‌ای لازم برای جلوگیری از آفات انجام شود. در سال زراعی جاری ۳۸۰ هزار هکتار گندم، ۴۷ هزار و ۵۰۰ هکتار کلزا، ۸۳ هزار هکتار جو و چهار و ۳۰۰ هکتار سیب‌زمینی و سه هزار و ۷۰۰ هکتار چغندر در استان گلستان کشت شده که کشت برخی از محصولات همچنان ادامه دارد.

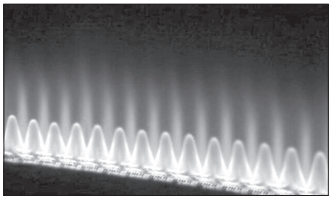
بود اما در سال زراعی جاری در کنار افزایش بارندگی، دمای هوای استان نسبت به بلند مدت سه درجه افزایش پیدا کرد که همین مساله، رشد محصولات زراعی را در مقایسه با زمان تقویمی کشت تسریع کرده است. به گفته وی؛ افزایش دما و تغییر اقلیم، رشد رویشی محصولات زراعی از جمله گندم را ۳۰ روز جلوتر انداخته و همراه با رشد گیاه، علف هرز هم رشد پیدا کرده که به طور معمول علف هرز همیشه در رقابت با گیاه زراعی پیروز است. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان از کشاورزان خواست در رسیدگی به اراضی کشاورزی خود، شرایط سال‌های گذشته را ملاک قرار ندهند. وی گفت: سال‌های گذشته در این زمان بسیاری از مزارع کشاورزی گلستان نیاز به سمپاشی نداشتند اما امسال در زمان فعلی برخی از مزارع کشاورزی حتی از موعد سمپاشی عبور کردند. مهقانی معتقد است اگر کشاورزان برای مقابله با علف‌های هرز اقدام به موقع نداشته باشند، ممکن است در مراحل بعدی رشد گیاه، امکان استفاده از علف‌کش‌ها وجود نداشته باشد. وی با تاکید بر اینکه همه محصولات کشاورزی به دلیل افزایش دما و بهبود بارش‌ها در معرض آسیب علف‌های هرز قرار دارند، تاکید کرد: با توجه به اینکه رشد علف‌های هرز بر گیاه

داشته و از سال ۸۶ تاکنون، بیشتر سال‌ها میانگین بارش در استان کمتر از حد نرمال بوده است. گلستان در ۱۵ سال گذشته هشت سال در وضعیت خشکسالی، ۲ سال در وضعیت ترسالی و پنج سال را در وضعیت نرمال سپری کرد، از طرفی میانگین دمای گلستان یک تا ۲ درجه و تعداد روزهای با دمای بالای ۴۰ درجه در گلستان روند افزایشی داشته است. در حالی که سال گذشته خساست آسمان، دست خیلی از کشاورزان گلستانی را از محصول خالی گذاشت و بسیاری از مزارع استان در آتش بی‌آبی سوخت اما امسال با وجود وضعیت خوب بارشی نسبت به سال قبل، کشاورزان با چالش دیگری دست‌وپنجه نرم می‌کنند و آن هم افزایش رشد رویشی گیاه و گسترش آفات و بیماری‌ها و علف‌های هرز در مزارع است. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان نسبت به گسترش آفات و بیماری‌ها و علف‌های هرز در مزارع استان هشدار داد و اظهار کرد: امسال میزان بارندگی در استان نسبت به بلندمدت روند افزایشی داشت همین مساله وضعیت سطح کشت و سبزینگی مزارع کشاورزی گلستان را بهبود بخشید. علی‌اکبر مهقانی گفت: سال گذشته بسیاری از مزارع گلستان بر اثر خشکسالی و کم‌آبی دچار بدسبزی شده

تغییر اقلیم و افزایش دمای هوا، کشاورزان گلستانی را در سال زراعی جاری با چالش جدید افزایش آفات و بیماری‌های گیاهی مواجه کرده و بنا به گفته کارشناسان، اگر اقدامات پیشگیرانه از سوی کشاورزان انجام نشود، خسارت وارده به مزارع استان غیرقابل جبران خواهد بود. به گزارش ایرنا، موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در منطقه گرم و خشک، کشورمان را در دهه‌های اخیر با پدیده‌ای به نام خشکسالی روبرو کرده و ایران را جزو ۱۰ کشور اول از نظر وقوع خشکسالی قرار داده است. اگرچه پدیده خشکسالی و تغییر اقلیم به بخش‌های مختلف آسیب می‌زند اما در این میان بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها آسیب‌پذیرتر بوده و تبعات ناشی از خشکسالی از جمله کاهش شدید سطح آب سفره‌های آب زیرزمینی و نابودی آنها، هجوم آفات و بیماری‌های گیاهی و شوری آب و اراضی زراعی بخش کشاورزی را دچار آسیب کرده و امنیت غذایی مردم را به چالش می‌کشاند. استان گلستان هم که یکی از قطب‌های کشاورزی محسوب می‌شود طی این سال‌ها از عواقب تغییر اقلیم و خشکسالی در امان نمانده و به گفته کارشناسان هواشناسی، میزان بارش‌های گلستان در ۱۵ سال اخیر روند کاهشی



## مصرف گاز گلستان در آستانه ثبت رکورد است



مدیرعامل شرکت گاز گلستان از مصرف صعودی این انرژی به دلیل سرمای هوا خبر داد و گفت: در حالت عادی روزانه ۱۲ میلیون مترمکعب گاز در بخش خانگی استان مصرف می‌شود اما در پی بارش برف و باران و کاهش محسوس دما، احتمال افزایش این رقم به ۱۶ تا ۱۷ میلیون مترمکعب دور از انتظار نیست. به گزارش روابط عمومی، علی طالبی اظهار کرد: با فعالیت سامانه ناپایدار جوی و بارش برف و باران در کشور، مصرف گاز به طور ناخواسته افزایش پیدا کرده که با توجه به قرارگیری گلستان در انتهای خطوط گازی، تمهیدات لازم برای جلوگیری از قطعی گاز اتخاذ شده است. وی از مردم خواست با رعایت الگوی مصرف در مصرف گاز صرفه‌جویی کنند تا واحدهای تولیدی و صنعتی عمده گلستان با محدودیت مواجه نشوند. مدیرعامل شرکت گاز گلستان ادامه داد: با توجه به سرمای هوا در اکثر استان‌های کشور، فشار خطوط انتقال گاز افزایش یافته و تولید به حداکثر ظرفیت رسیده با این وجود توصیه ما به هم‌استانی‌ها، صرفه‌جویی در مصرف گاز است چرا که در صورت بروز مشکل چاره‌ای جز اعمال محدودیت نداریم. طالبی، سرانه مصرف گاز در گلستان را بین ۱۵ تا ۲۰ مترمکعب در شبانه‌روز اعلام کرد و افزود: حدود ۷۶ درصد مشترکان گلستان کم‌مصرف و مابقی پرمصرف هستند که جمعیت ۲۴ درصدی مشترکان پرمصرف در شبانه‌روز بیش از ۵۰ درصد مصرف گاز استان را به خود اختصاص می‌دهند. وی از گازرسانی به ۵۷ روستای گلستان از زمان استقرار دولت سیزدهم تاکنون خبر داد و گفت: نهضت گازرسانی به روستاهای استان همچنان ادامه دارد. به گفته مدیرعامل شرکت گاز گلستان؛ ۱۰ روستای قابل گازرسانی در گلستان وجود دارد که عملیات گازرسانی آنها تا پایان سال به اتمام می‌رسد.



## آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به جابجایی و نصب سورت‌مه به صورت کامل تاراه اندازی ۱۰۰ درصدی توسط عوامل شرکت سازنده سورت‌مه ریلی ساخت کارخانه juma کشور چین (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۳۶۵,۶۷۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای رسته کاری حداقل رتبه ۴ تاسیسات و تجهیزات از محل کد پروژه ۶۰۵۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا شرکت‌های واجدالشرایط می‌توانند از تاریخ ۱۶/۱۱/۱۴۰۲ لغایت مورخه ۰۷/۱۲/۱۴۰۲ به سامانه ستاد آدرس اینترنت [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند.

سیده محمد زاسیدالنکی - شهردار گران - شناسه آگهی ۱۶۵۹۵۳۵

گلشمن

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

# چیزهایی هست که نمی دانی!



رقابت خارج شده و آن حواشی که التاز شاکردوست برای حمایت از فیلم در نمایش مردمی به وجود آورد، خیر دردناکتر اینکه فیلمنامه نویس مدعی می شود جشنواره، فیلمنامه فیلم را لو داده است!

**چهارم:** و اما اصل مطلب، چنین جشنواره ای که مشخصا طبق اصول خودش برگزار می شود و جایزه می دهد، اصلا برایش مهم نیست که چه کسی می آید یا نمی آید! از چه کسی تقدیر بشود یا نشود! اصلا چه حرف و حدیثی ممکن است پشت جشنواره بیان شود، برای آنها فقط و فقط پر کردن سالن مهم است و برگزاری مراسم دیگری به شیوه پارتیزانی اش. سالنی که خالی از هر هنرمند مربوطه باشد ولی فقط پر باشد. هنرمند تقدیر شده ای که چندان اسم و رسمی نداشته باشد، فقط جزئی از خودشان باشد.

حالا جالب اینجاست:

با این توصیفات، با این فضای استرلیزه و گندزدایی شده و به نحو احسن آماده برای برگزاری؛ ناگهان در مراسم افتتاحیه کسی که از خودشان است که اگر نبود از او تجلیل نمی شد، از جیب کتش کروات در می آورد، به وزیر و مسئولین هشدار می دهد که چقدر بابت قیچی زدن این آسیب زدید، و بعد ویدئو را مثال می زند و دیش های ماهواره، که چقدر خسارت به ملت زدید و در آخر مجبور به قبولش شدید. میهمان (شعبده باز) محترم که از یک جیبش کروات را در آورده بود، از جیب دیگرش روسری را در آورد و گفت: جلوی این آسیب ها و خسارت ها رو بگیرید. و جالب اینجاست: سالنی که توسط خودشان پر شده بود، به جای هو کردن شعبده باز، برایش هورا کشیدند. حال و روز مسوولین سینمای ما شده حال و روز سلطانی که به آهوی بسته هم نمی تواند تیر بیاندازد.

نزدیکی های زیر گوش خودمان رخ داده، اتفاقی که منجر به بیکاری تعداد زیادی از کاربلدان شده. (کاری به ضرر و زیان هایش نداریم).

**اول:** هر چه بگنند نمکش میزنند وای به روزی که بگنند نمک. منتقد در سینما همواره نقش نمک سود کردن اثر را بازی می کند، یعنی یک همه کاره هیچکاره است، اگر چه ما هنوز منتقدی نداریم که به گیشه ها و نظر مخاطبان جهت اساسی بدهد، ولی حضورشان در جشنواره ها حیاتی است و از الزامات به شمار می رود. هر جشنواره ای چه خوب و چه بد با حضور منتقد معنی پیدا می کند، یعنی اگر جشنواره ای برخلاف اصول و اخلاق هنری برگزار شود، اگر چه عرصه برای هنرمندان تنگ می شود ولی این موضوع خودش خوراک منتقدین می شود و می تواند از آن برای پر کردن عریضه خود استفاده کنند، حالا در نظر بگیرید که فجر امسال را منتقدین هم تحریم کردند! نمکی در کار نیست!

**دوم:** پارسال فیلمی به نام بهشت تبهکاران اثر مسعود جعفری جوزانی دقیقه نود به جشنواره فجر رسید، گویا فیلم آماده نشده بود، امسال بعد گذشت یکسال وقتی فیلم برای مخاطبان مردمی جشنواره اکران شده: با پرده سبز، بدون اصلاح رنگ و بدون موسیقی متن برای مخاطبان اکران شده! تصورش را کنید که بلیط نه چندان ارزان جشنواره را تهیه کنید و همچنین فیلمی ببینید!

**سوم:** فیلم بی بدن مرتضی علیزاده به نویسندگی کاظم دانشی که خلاقیتش را در علفزار دیدیم و منتظر کار بعدی ایشان بودیم، ناگهان متوجه می شویم که فیلم از بخش

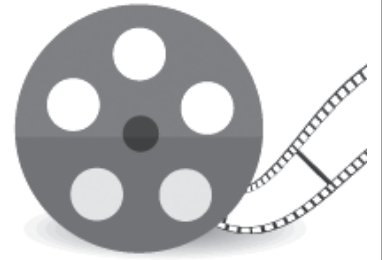
قدیمی ترین سریالی که به ذهنم میاد سریال سلطان شبانه، این قدر بچه بودم که فقط می دیدمش یعنی، حافظه ام اینقدر جای خالی نداشت که بتونم یک هفته موضوع سریال رو ذخیره کنم تا هفته بعد بقیه اش رو ببینم، صرفا از دیدن تصاویر لذت می بردم، البته چاره ای هم نبود وقتی همه زل می زدند به تلوزیون، من هم مجبور بودم همین کار رو انجام بدم اما این خاطره چه دخلی به الان داره؟ در آن سریال یک قسمتی بود که سلطان به شکارگاه می رفت و قرار بود حیوانی رو شکار کنه، از آنجایی که سلطان قصه ما، یک سلطان بی وجود و دست پا چلفتی بود، متعاقبا شکار کردن هم بلد نبود، به همین خاطر ملازمان و درباریان برای اینکه کاری کنند که شکار به مذاق پادشاه خوش بیاید، بدون اینکه پادشاه را در جریان بگذارند، آهوئی را با طناب بستند و در فاصله ای معقول در مقابل تیر پادشاه قرار دادند تا پادشاه لذت شکار واقعی را بچشد. و اما این کهنه تصویر مانده در ذهن من چه دخلی به سینمای امروز ما دارد؟ جشنواره ای در ایران برگزار می شود که از پوسترش تا جایزه اش، همه و همه همواره حرف و حدیث دارد، البته نه حرف و حدیث های همیشگی یک جشنواره هنری، این جشنواره که حال و روزش از خیلی وقت پیش بر اهالی و دوستدارانش عیان شده بود، در دو سال اخیر به شکل عجیبی شبیه توهین شده بود ولی این توهین به طرز جالبی امسال به خودشان برگشته. اصولا یک جشنواره را به دلیل جنبش خاصی یا سویی ای جهانی یا منطقه ای، صاحبان اثر یا بازیگران یا کارگردانان معروف تحریمش می کنند. خیلی ها هم این کار را متضاد با ذات هنر می دانند و از تحریم امتناع می کنند. اما در جاهایی خاص از جغرافیا هست که جشنواره ای، هنرمندان خودش را تحریم می کند، اگر چه نوبت است ولی اتفاق جالبی است که در همین



چهل و دومین جشنواره فیلم فجر:

**تیر بر آهوئی بسته!**

یادداشت دبیر صفحه



## وقتی همه دیواریم



علی درزی

دکتر واقع می شود ولی بعدا متوجه می شویم که او حق داشته و گویا زن وسیله ای برای خفت گیری بوده! این دو صحنه علی را بدبین نشان می دهد، ولی در صحنه ای که دو مسافر خانم که از ترس زلزله قرار است بیرون از خانه در پارک بخوابند، وقتی گوشی موبایلشان را در ماشین علی جا می گذارند، علی هیچ تلاشی برای پس دادن گوشی نمی کند، علی طبق اصول شخصیت پردازی در قصه چیزی جز یک منفعل به گوشه رانده شده نیست، یک شخصیت مملو از یاس و بی تفاوتی است که نمی تواند عکس العملی به ازای عمل دیگران داشته باشد، او شخصیتش اینگونه است که نمی داند چه باید بگوید. هر چه بیشتر با شخصیت علی آشنا می شویم متوجه می شویم: بیشتر از هر چیزی یک به انفعال رسیده محض است که به شیء شدگی رسیده است، نه مانند سوسک شدن گرگوری سامسا، خیر! نه از نوع گروتسکش بلکه از یک نوع دیگرش، رئال رئال! خرده اطلاعاتی که از او در فیلم به دست می آوریم، از جمع دانشجویانی که در قدیم داشته یا کافه نشینی آنها پیش دیز یا عشق نافر جامی که داشته و یا کارهایی همچون روزه سکوت گرفتنش در آن ایام، متوجه می شویم این شخصیت تنهایی را انتخاب کرده و در این تنهایی جزئی از روتین اطرافش شده، شیء ای که در روزمره زندگی دیگران مورد استفاده واقع می شود. او موبایل که ندارد هیچ، تلفن بیگامگر هم نمی خواهد داشته باشد! یا دیالوگ های او با پیرزن همسایه که هیچ وقت نمی بینمش و هیچگاه با هم رو در رو نمی شوند، ذات دیالوگ رخ به رخ بودنش است و یا با تلفن، ولی مثلا دو زندانی را در نظر بگیرید که در دو سلول جا مجبورند رو به دیوار در ازای رخ به رخ شدن با هم صحبت کنند، یا روتین روزمرگی به گربه شیر دادن، یا حتی او بعد از اینکه مسافر معنادی را که برای مصرف مواد به خانه ای معلوم الحال می برد، بعد از آنجا به کارواش می رود، و جالب اینجاست که بعد از کارواش خانم دکتر به محض دیدن چهره علی می پرسد: اصلاح کردی؟ شیء شدگی علی به جایی می رسد که با ماشینش با هم به کارواش و اصلاح می روند. (البته این گمان می رود که علی هم اصلاح کرده باشد و گرنه چیزی در فیلم نشان داده نمی شود، اگر تمیزی ماشین خانم دکتر را به صرافت این انداخته باشد که علی اصلاح کرده باشد، باز می شود دلیل متقنی بر شیء شدنش.) فیلم خیال نشان دادن مسخ شدگی یا یخ زدگی و تعبیری این چنین را ندارد، اما بارقه های همه این رفتارهای مایخولایی بصورت بالقوه در شخصیت وجود دارد. و صد البته در کارگردانی. زلزله، زلزله ای که در هیچ جای دنیا قابل پیش بینی نیست، اما اینجا آن را پیش بینی کرده اند. روز چهارشنبه ای قرار است زلزله بیاید، نحس مانند همه چهارشنبه های مارکز! این زلزله می تواند مانند یکی از هزاران شایعه هایی باشد که در مورد شهر تهران می گفتند و یا می تواند یک نماد از دانستن پایان بازی زندگی

باشد. بدبینی و انفعال گاهی اوقات چنان در لایه های زیرین مغز آدمی رخنه می کند که حتی خودش هم نمی داند که چه بلائی فلسفی ای بر سر خودش آورده. مرگ همواره شمشیری با دو لبه بزننده برای زندگیست، هم به زندگی نهیلیستی معنا می دهد و هم تحمل مشقت در زندگی از نوع خداوآورانه اش را سهل می کند. ولی اگر این زلزله ای که در فیلم قرار است بیاید را نماد پایان کار دنیا مانند شایعه آخر زمان ۲۰۱۲ بدانیم آن وقت چه می شود؟ زلزله بشود نماد پایان به معنی واقعی کلمه. اینجا آدم ها دو دسته می شوند، یا انگیزه خودشان را از دست می دهند یا اینکه دست به کارهایی می زنند که همه عمر حسرتش را می خورند! نمونه خارجی آن فیلم مشهور روز موش خرماس است که شخصیت در یک لوپ بی انتهای زمانی گیر می کند و تا عشق واقعی را پیدا نکند، نمی تواند از آن خارج شود! علی اول قصه ما اینجا همان انفعال را انتخاب می کند، او مانند یک بیمار سرطانی که منتظر جبری مقتدر همچون مرگ نشسته و حتی راه لذت را هم بر خود بسته و آنچه که مشخص می شود این نوع رفتار در او کاملا ذاتی است، حتی با هیپنوتیزم که حمله به ناخودآگاه فرد است، آنجا هم مقاومت می کند و هیچ اطلاعاتی بروز نمی دهد، حتی در جواب سوال دوست داشتن نمی گوید: چیزهایی هست که نمی دانی! در طول فیلم وسط یک ارتباط معلق و پاره پاره از گذشته ی علی قرار می گیریم که نمی دانیم مشکلمان چیست؟ چه بوده؟ انگاری مهتاب کرامتی سیماس است همان که خیلی شبیه مینا (دختر دایی اش که از تاریکی می ترسید) بود، زمانی با علی صمیمی داشته ولی چون علی چیزی نگفته او رفته و با محمود چاخان ازدواج کرده! اما انگار الان دوباره برگشته! فیلم یک سری برجسته سازی های کارگردانی در تدوین و استفاده از میچ کات های ویژه دارد. برای مثال سکانشی که علی و خانم دکتر بر فراز بامی به شهر نگاه می کنند، علی و خانم دکتر از راهی بیراهه با هم پایین می روند و دوربین روی چراغ های شهر باقی می ماند و با آن ها پایین نمی رود. تا اینکه دوباره علی از پشت، در کادر ظاهر می شود در همان مکان، انگار زمانی متفاوت را می بینیم، اینبار سیمما را در کنار علی می بینیم! بازی با زمان و مکان این چنینی یکی دو جای دیگر در فیلم مشاهده می شود. زمان انگار بر خط راست سیر نمی کند! نشانه های جزئی دیگری هم در فیلم داریم، مثلا آینه، علی در آژانس و خانه اش وقتی در جلو آینه قرار می گیرد یا از رو برویش عبور می کند، آینه تصویری از او به ما نشان نمی دهد! گم شدن گربه، علی همواره دنبال گربه ای است که یا زیرش نکرده باشد و یا در جایی رد پای از آن دیده ولی حالا گم اش کرده! فیلم به لحاظ ورود به دنیایی دیگر: گروه باز از سورئالیسم موراکی تا گروه بسته از مسخ کافکا، جولان می دهد، تلورانس می کند ولی باز اصرار دارد که پیش را روی آسفالت سفت شهر تهران منتظر زلزله بگذارد. شهری با ساکنانی چون آقای مترجم.

این فیلم بیشتر از اینکه خودش معروف باشد دیالوگ هایش در پادکست هایی چون دیالوگ باکس معروف شده، بیشتر از اینکه فیلم را دیده باشند، دیالوگ های این فیلم را شنیده اند، رهاس کن بره بره رئیس، گدازه اضطرابی که آقای مترجم از آن حرف می زند. صحبت های آقای مترجم که به اضطراب و ترس از قرار گرفتن در اجتماع دچار است، بسیار جالب است، انگار همه آدم های این شهر به مرض علی دچارند اما از نوعی دیگر! انگار هر کدام از این آدم های شهر برای خودشان دیواری هستند، مانند دیوار جلوی پنجره خانه علی! داستان فیلم تا حدود زیادی شبیه همان روز موش خرماس است، علی با حضور خانم دکتر، خانم دکتر شاد، سرزنده و پر از حس زندگی به در تغییر بر می خورد، برف پاک کن ماشینش را تعمیر می کند، چراغ سوخته داخل ماشین را تعویض می کند و حتی برای برق رفته ی خانه خانم دکتر، وارد خانه شان می شود تا کنتورشان را تعمیر کند، این همان علی است که حتی رغبت نمی کرد به زنگ موبایل جامانده در ماشینش جواب بدهد! کارگردان در گفت و گوهای علی و خانم دکتر هم انگار خساست به خرج داده و بلافاصله خانم دکتر می گوید که: راه ما از هم جداس است! جایی که صحبت از رفتن می شود خانم دکتر می گوید: باید برگردم، وقتی هم علی به فرودگاه می رود تا سراغ او را بگیرد چیزی جز شماره پرواز ندارد، نه اسمی و نه نشانی، فقط می داند که او رفته است، اما متوجه می شود که این پرواز نه تنها که نرفته است بلکه آمده، نهسته! خانم دکتر هم گویا در زندگی دچار بحران هویت شده، او آمدنش را، برگشتنش را نه به خود، بلکه به دیگری منوط می کند، حال هر که می خواهد باشد، دخترش، شوهرش، طلاقش و یا هر چیزی، اینجا دوباره داستان پیچیده می شود، همه آن تصاویری که ما در فیلم دیدیم مانند یک ما به ازای رویا و کابوس در سرمان می چرخد: همه پنجره ها مانند خانه علی به دیوار ختم می شود. نمی دانم چرا، ولی در پایان فیلم، این شعر از حسین منزوی در ذهنم تکرار می شد:

از زمزمه دلتنگیم، از همههمه بیزاریم  
نه طاقت خاموشی، نه تاب سخن داریم  
آوار پریشانی ست، رو سوی چه بگریزیم؟  
هنگامه ی حیرانی ست، خود را به که بسپاریم؟  
تشویش هزار «آیا»، وسواس هزار «اما»  
کوریم و نمی بینیم، ورنه همه بیماریم  
دوران شکوه باغ، از خاطرمان رفته است  
امروز که صف در صف، خشکیده و بی باریم  
دردا که هدر دادیم، آن ذات گرامی را  
تبغیم و نمی بریم، ابریم و نمی باریم  
ما خویش ندانستیم، بیداریمان از خواب  
گفتند که بیدارید؟ گفتیم که بیداریم!  
من راه تو را بسته، تو راه مرا بسته  
امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم

فیلم با آتش گرفتن ماشین فضای خارجی شهر و درگیری چند نفر شروع می شود، صحنه ای که راننده آژانس قصه ما یعنی علی، بی تفاوت از آن می گذرد! چون این فیلم را خیلی سال پیش، همان موقع اکرانش را دیدم، جزئیات فیلم اصلا یادمان نمانده بود با چنین شروعی این ذهنیت به سرم زد که نکند این ماشین آتش گرفته خود علی و ماشینش باشند! ولی اینطور نبود، چند روز بعد شرح این واقعه در روزنامه حوادث توسط رانندگان آژانس خوانده می شود، و در یک سکانس که مربوط به دیدار اول با خانم دکتر است، آنجا نیز علی از کمک به یک زن تنها در یک شب بارانی امتناع می کند، با اینکه مورد انتقاد خانم





هواداران و تماشاچیان بسکتبال گرگان، هم پا با تیم شان نام آور شده اند. در اغلب گزارش های ورزشی از حضور پر تعداد و استقبال آنان از مسابقات، سخن به میان می آید. این جمع شدن حول موضوع بسکتبال به نکاتی قابل تامل توجه دارد. سوالی که از منظر جامعه شناختی مطرح می شود این است که چه عواملی باعث شده اند تا تماشاچیان حول موضوع بسکتبال گرد هم آیند؟ چرا در رشته های دیگر ورزشی در گرگان این استقبال صورت نمی گیرد؟ اولین عامل در حضور پر تعداد تماشاچیان، مصول فرآیندهای مستمر سیاست گذاری است. به این معنا که تصمیم سازان حوزه ی ورزش در نهاد شهرداری، حداقل به طور مستمر طی دو دهه گذشته تاکید جدی بر تیم داری داشته اند. وارد شدن بسکتبال به حوزه ی سیاست گذاری، به تبدیل شدن آن به یک سازمان اجتماعی یاری رساند. ممکن بود این وضعیت در خصوص سایر رشته های ورزشی یا حتی رشته های هنری یا علمی هم اتفاق می افتاد. به عنوان مثال گرگان می توانست در زمینه هواداری از هنر تئاتر هم همین اندازه موفق باشد، اگر قلمرو سیاست گذاری دولت بر آن وارد می شد. قلمرو سیاست گذاری حوزه ای است که طی آن، دولت ملی یا محلی در تلاش است تا بر روی یک گفتمان عینی تمرکز داشته باشد. با استفاده از قدرت در اشکال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی تلاش می کند روی یک موضوع مشخص هژمونی برتر را ایجاد کرده و آن را در سطح اجتماع نمایان سازد. بسکتبال گرگان ما حاصل این رویه ها است. به ویژه از سال های ۹۸ و ۹۹ که رویکردهای "قهرمانی" هم در آن شدت یافت. دومین عامل به "تاریخیت" سوژه بسکتبال در



## مولفه های هواداری در قلعه عقاب ها



ایمان مظفری

گرگان بر می گردد. شکل گیری نخستین تیم در معنای رقابتی به سال ۱۳۴۸ بر می گردد. عامل تاریخی موجب می شود تا نوعی "آرمان خواهی" نظیر قهرمانی، در ذهن شهروندان به جنبه های دست یافتنی نزدیک شوند. عامل تاریخی، نوعی انتظار را ایجاد می کند و طرفداران این رشته تلاش می کنند به آن تحقق ببخشند. لذا در سطوح مختلف تلاش می کنند از طریق مذاکره، گفت و گو، بیان خواسته و مطالبه با سیاست گذاران محلی، به آرمان های خود در این رشته ورزشی جنبه های عینی بدهند. عنصر تاریخیت موجب شکل گیری نوعی سرمایه اجتماعی می شود و سرمایه اجتماعی می تواند میدان های عمل (در معنای بوردیویی) را برای کنشگران آن و از جمله تماشاچیان به وجود آورد. منظور از میدان بوردیویی، "فضای ساختمان موقعبیت ها و نظام مناسبات قدرت" است که عاملان به واسطه ی روابط شان با یکدیگر، دست به کنش می زنند. عنصر تاریخی، موجب پیدایش سرمایه اجتماعی و میدان عمل، برای سوژه بسکتبال می شود. این موضوع قابلیت بسط دارد. می توان بررسی کرد در چه حوزه های دیگری شهر گرگان از وضعیت ساختمان تاریخی برخوردار است که بتوان از طریق آن سرمایه اجتماعی شهر را گسترش داد. سومین عامل خلق "اسطوره" است. جامعه در شکل اعتلای خودش خواهان نمایش های نمادین است. اسطوره سازی از اشخاص و رویدادها می توانند این حس نمایشی را تکمیل کنند. "گرگان، قلعه عقاب ها" که اغلب به زبان نوشتار، در سالن های ورزشی ظهور پیدا می کند، تلاش روح جمعی کنشگران، برای خلق اسطوره سازی است. و البته شعارهای های دیگری که در قالب های زبانی در

سالن ها شنیده می شود. اسطوره سازی موجب شکل گیری یک نظام ارتباطی بین کنشگران می شود. آنها حاملان پیام هایی هستند که کنشگران خود را در وجه آن می بینند. همذات پنداری در قهرمانی. این همذات پنداری میل به "جاودانگی" را در تماشاچیان ارضا می کند. قهرمانی تیم بسکتبال، گویی قهرمانی جاودان کنشگران در زمین بازی و اثبات کنندگی و هویت بخشی به همان شعار "گرگان، قلعه عقابها" است. در پاسخ به این سؤال که چرا رشته ها یا حوزه های دیگر اجتماعی، با این موج هواداری مواجه نمی شوند؟ باید آنها را در تبیین سه عامل بالا جستجو کرد. شامل فرآیند مستمر سیاست گذاری، وجه تاریخیت، اسطوره سازی. هر زمینه یا رشته ای که از سه ویژگی یاد شده بهره ببرد، می تواند میدان های عمل خود را گسترش دهد. به کنشگرانش اعتبار ببخشد و از میدان های عمل نتایج عینی بگیرد. استان گلستان و به ویژه شهر گرگان، این قابلیت را دارد تا از دیگر عناصر موجود در حوزه های فرهنگ و اجتماع برای ارتقاء سرمایه اجتماعی بهره ببرد. در شهر گرگان، تاریخیت و وجه اسطوره ای در حوزه های موسیقی ایرانی، هنر نمایش، شعر و ادبیات، هنر اقوام و حتی دیگر رشته های ورزشی نظیر کشتی، والیبال، موجودیت دارند. می توانند میدان عمل کنشگران را گسترش دهند و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شوند. پیامد آن جامعه ای خلق می شود که کنشگران نه فقط در یک رشته ورزشی، بلکه در میدان های متنوعی حضور دارند و سلیقه ها و تمایلات طیف متنوعی از کنشگران در آن دیده می شود.

کارشناس فرهنگی اجتماعی

## آگهی ثبتی

### آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض ۱- آقای یوسف جمال زالی بشماره شناسنامه ۷۰۱۵ بشماره ملی ۱۴۰۱۱۱۴۱۲۴۸۰۰۱۳۰۵ صادره از گرگان فرزند حسن رضا متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۱۲۴۸۰۰۱۳۰۵ در ۲۱ سهم مشاع از ۳۱ سهم ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۲۱ سهم مشاع از ۳۱ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که ۵ سهم سهم مشاع از ۳۶ سهم آن وقف می باشد (به استناد نامه شماره ۲۸،۱۴۰۲،۱۳۷۶۷۵ مورخ ۱۴۰۲،۰۶،۰۹ با حفظ حقوق اداره اوقاف و کسر قدرالسهم موقوفه بلامانع می باشد). ۲- خانم فاطمه دسارانی بشماره شناسنامه ۶۰۷ بشماره ملی ۲۲۶۹۱۵۰۶۳۵ صادره از علی آباد فرزند ابراهیم متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۱۲۴۸۰۰۱۳۰۶ در ۱۰ سهم مشاع از ۳۱ سهم ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۰ سهم مشاع از ۳۱ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که ۵ سهم سهم مشاع از ۳۶ سهم آن وقف می باشد (به استناد نامه شماره ۲۸،۱۴۰۲،۱۳۷۶۷۵ مورخ ۱۴۰۲،۰۶،۰۹ با حفظ حقوق اداره اوقاف و کسر قدرالسهم موقوفه بلامانع می باشد). به مساحت ۳۱۰۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۹۰- اصلی واقع در اراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲ حجت الله تجری-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان - شناسه آگهی ۱۶۶۱۲۲۴

### آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۰۱۰۱۸۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۲۱۲۱۱۶۸۴۳۰۱۰۰۰۶۷۹ تقاضای خانم فاطمه میرشهیدی به شماره شناسنامه ۵۸۵ و کد ملی ۲۱۲۱۱۶۸۴۳۰۱۰۰۰۶۷۹ صادره از گرگان فرزند سیدغفور در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار دو و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۷۵۱۱/۴۱ مترمربع از پلاک شماره ۲۵۱- اصلی واقع در اراضی لمسک بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی حاج هوشنگ محمدی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ مهدی شاه مهری-سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۶۶۱۲۲۵

### آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۲۷۳ تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق فلا پرونده کلاسه

۱۴۰۲۰۳۱۲۰۰۸۰۰۰۲۵۶ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عبدالرشید یلقی فرزند خدر به شماره شناسنامه ۲۴ و شماره ملی ۴۹۷۹۸۱۴۸۰ صادره از آق فلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۱۱ مترمربع مفروز و مجزی شده از ششدانگ پلاک شماره ۲۵۰ فرعی از سه اصلی واقع در اراضی آق (آق لر) بخش ۶ حوزه ثبت ملک آق فلا از سهمی (متقاضی) عبدالرشید یلقی تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: روز دوشنبه ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۰۲ مهناز جهانفر- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق فلا- شناسه آگهی ۱۶۶۱۲۹۰

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۰۳۱۹۹ مورخ ۱۴۰۲،۱۱،۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمدعلی ارین فرزند رحیم بشماره ملی ۴۸۶۰۰۰۰۹۲۲ صادره از کلاسه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۴۰ مترمربع از پلاک ۲۰۱- اصلی واقع در قریه آیدریش بخش ۹ حوزه ثبتی کلاسه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای/خانم رجب چرابین معجز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۲،۱۱،۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۲،۱۲،۰۲ بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاسه- م الف ۱۲۱۶۷

### آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۰۰۱۴۶۳۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۷ موضوع کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۱۲۰۰۰۰۶۲۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم انامحمد میرزاعلی فرزند میرعلی در ششدانگ یک قطعه زمین احدات بنا شده به مساحت ۳۸۰،۵۰ مترمربع جدا شده از پلاک ۱۳۳۵ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبدکاووس خیابان امام خمینی شمالی بلوار سمت چپ کوچه میرزاعلی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع الواسطه از وراث مرحوم میرعلی میرزاعلی، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲ هادی عطائی مقدم - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس- از طرف شکرانه باقری آذر - م الف ۱۲۱۶۵



خبر

### واحد تولیدی چاپ و رنگریزی پارچه به بهره برداری رسید

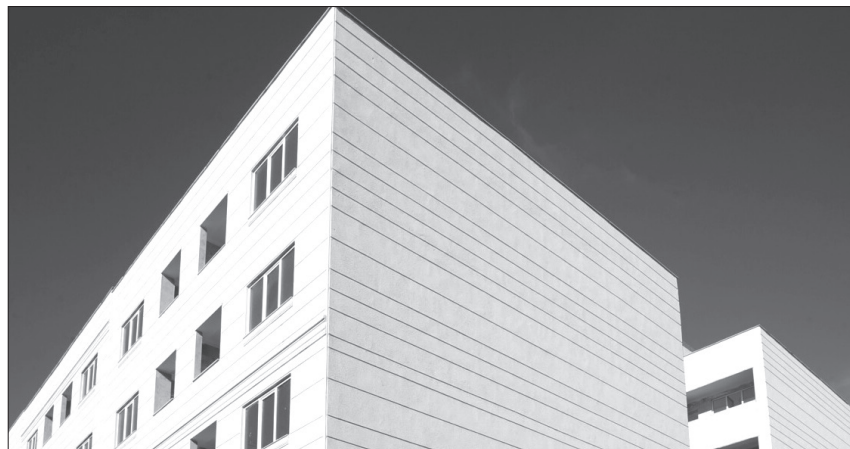


یک واحد تولیدی چاپ، رنگریزی و تکمیل پارچه با سرمایه گذاری ۴۵۰ میلیارد ریالی بخش خصوصی در آق فلا به بهره برداری رسید. به گزارش ایرنا، علی محمد زنگانه استاندار و جمعی از مدیران گلستان حضور داشتند. با راهاندازی این واحد صنعتی که ظرفیت چاپ و تکمیل هزار و ۲۵۰ تن پارچه در سال دارد، ۲۵ فرصت شغلی پایدار ایجاد شد. در دهه فجر امسال ۱۹ واحد صنعتی شامل ۱۳ واحد ایجاد، سه واحد توسعه ای و سه واحد احیایی با سرمایه گذاری چهار هزار و ۳۴۰ میلیارد ریال و ظرفیت اشتغال ۲۶۶ نفر در گلستان افتتاح خواهد شد.



۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

## سازمان همیاری در طرح نهضت ملی مسکن کنار دولت است



رییس سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان از پیگیری این سازمان برای مشارکت در طرح نهضت ملی مسکن خبر داد و گفت: مقرر شد در مرحله نخست برای ساخت ۱۰۰ واحد مسکونی اقدام شود. به گزارش روابط عمومی، علیرضا پرهان با بیان اینکه بودجه امسال سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان هزار و ۱۵۰ میلیارد ریال است، بیان کرد: پروژه مسکن مهر زیتون در سنوات گذشته توسط سازمان همیاری انجام شده و در زمان سیل آق‌قلا نیز اعتبارات این حوزه به سازمان همیاری شهرداری‌ها واگذار شده و این سازمان محور مدیریت انجام خدمات به مردم سیل زده آق‌قلا بود. پرهان با بیان اینکه سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان در سه دوره پیاپی رتبه برتر آموزش دهیاری‌ها و شهرداری‌ها را به دست آورد، یادآور شد: آموزش دستگاه‌های اجرایی، دهیاری‌ها و شهرداری‌ها یکی از اقدامات این سازمان است. مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان به اقدامات این سازمان در اجرای طرح گردشگری جزیره آشوراده اشاره کرد و گفت: سازمان همیاری با تعیین مشاور متبحر و تهیه طرح توجیهی و طراحی‌های لازم، طرح طبیعت‌گردی و گردشگری آشوراده را به مرحله‌ای رساند تا در شورای اقتصاد و کمیته ملی طبیعت‌گردی و ارزیابی زیست محیطی قابل طرح باشد. وی تاکید کرد: در طرح طبیعت‌گردی و گردشگری آشوراده، در کنار سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار گرفتیم تا با همت و همراهی جمعی، گره کور این طرح پس از چندین سال بلا تکلیفی و خاک خوردن به سرانجام برسد و روستای آشوراده دوباره به رسمیت شناخته شود. پرهان این سازمان را در بین دستگاه‌های اجرایی استان خواند و گفت: هنوز بسیاری از دستگاه‌های اجرایی استان از ظرفیت‌های ما مطلع نیستند. مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان با اشاره به اینکه شهرداری‌ها هنوز به جایگاه سازمان همیاری توجه نمی‌کنند، توضیح داد: سازمان همیاری برای احداث پروژه تله‌کابین گرگان اعلام آمادگی کرده و حتی تفاهم‌نامه با سرمایه‌گذار هم امضا و به شهرداری ارسال شده اما هنوز در پیچ‌وخم‌های شهرداری و شورای اسلامی شهر گرگان گرفتار شده و به نتیجه نرسیده است. وی با بیان اینکه سازمان همیاری برای جذب سرمایه‌گذار در ساخت هتل ناهارخوران گرگان نیز آمادگی دارد، افزود: عملیات اجرایی پروژه تله‌کابین گرگان به زودی آغاز می‌شود و این دستاورد در نتیجه همراهی شهرداری و شورای اسلامی شهر علی‌آبادکنول رقم خورده است. پرهان تاکید کرد:

همچنین سازمان همیاری شهرداری‌ها برای اجرای پروژه ۹۶ واحدی طرح مسکن ملی آزادشهر، طراحی و احداث یک مرکز همایش در استان، ساماندهی اراضی محور کوی طبیعت نصرآباد آمادگی دارد. مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان از سهامداران و مدیران خواست سازمان همیاری‌ها را براساس قانون و اساسنامه در جذب سرمایه‌گذار به رسمیت بشناسند و گفت: شهرداری‌ها در تهیه بسته‌های استاندارد و علمی سرمایه‌گذاری موفق عمل نکرده و در بسیاری از مواقع سنتی رفتار می‌کنند. وی با بیان اینکه یکی از اهداف ما جذب سرمایه‌گذار و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای شهرداری‌های استان است، اظهار کرد: سازمان همیاری می‌تواند به عنوان محور جذب سرمایه‌گذار وارد عمل شود اما تاکنون این ظرفیت در اکثر شهرهای استان مغفول مانده است. پرهان هدایت شهرداری‌ها به سمت خودکفایی و اهتمام در کاهش اتکای شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار را از وظایف سازمان همیاری شهرداری‌ها برشمرد و افزود: سومین هدف سازمان همیاری‌ها افزایش توان مالی و فنی شهرداری‌ها است تا شهر به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کند و به دنبال آن شهرداری‌ها به جایگاه سابق خود در حوزه فنی دست پیدا کنند. مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان، انجام عملیات پیمانکاری در تمامی کارهای ابنیه، تاسیسات، راه، مسکن و غیره را از دیگر وظایف این سازمان برشمرد و خاطر نشان کرد: مشارکت در موضوعات

مختلف از جمله راه و شهرسازی، راهداری، امور مختلف عمرانی و پل‌سازی، معدن، احداث کارخانجات تولیدی، صنعتی و معدنی و استحصال انواع مصالح معدنی به طور مستقیم در اساسنامه سازمان همیاری‌ها به طور رسمی عنوان شده است. وی با بیان اینکه یکی از اقدامات ما تامین ماشین‌آلات عمرانی، خدماتی و حمل‌ونقل تمامی شهرداری‌های گلستان است، تصریح کرد: در حال حاضر تمامی خودروهای سبک و سنگین، تریلرها و کشتندها موردنیاز شهرداری‌های استان را تامین کردیم. پرهان اقدام به راه‌اندازی نمایشگاه‌های بازرگانی و تخصصی مدیریت شهری، تهیه و نصب ماشین‌آلات سردخانه‌ای و کشتارگاهی، فعالیت در امور حمل‌ونقل و مسافر و بار و خدمات، خرید و فروش و واردات تجهیزات موردنیاز شهرداری‌ها و صادرات انواع کالاها، مشارکت در تاسیس و راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی را از دیگر وظایف سازمان همیاری شهرداری‌ها اعلام کرد و افزود: رونق بازارچه مرزی و تجارت چمدانی به ارتقای میانگین درآمد خانوارهای استان کمک می‌کند و در این بین سازمان همیاری می‌تواند به عنوان محور نقش‌آفرین باشد. مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های گلستان از راه‌اندازی کریدور مسافرتی به عتبات عالیات برای نخستین بار در گلستان خبر داد و گفت: در همین راستا تفاهم‌نامه‌ای با حج و زیارت منعقد شد که در راستای آن بیش از ۲۰۰ گلستانی در اربعین حسینی با وام قرض‌الحسنه به کربلای معلی اعزام شدند.

### دفتر پیشرفت بخش و شمشگیر دایر شد



دفتر آبادانی و پیشرفت منظومه روستایی بخش و شمشگیر به مناسبت گرامی داشت دهه فجر، دایر و آغاز به کار کرد. به گزارش ایرنا، در حاشیه این آیین، تفاهم‌نامه و سند اتلافی با ادارات پشتیبان طرح آبادانی و پیشرفت منظومه روستایی بخش و شمشگیر به امضای معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مدیرکل بنیاد مسکن استان رسید. حمایت از تولید و ایجاد اشتغال در منظومه‌های روستایی در قالب ارائه تسهیلات کم بهره، حمایت از طرح‌های پشتیبان و زنجیره‌های تولید با رویکرد اقتصاد محور برای خانواده‌های روستایی و کمک به عمران و آبادانی و محوریت‌زدایی روستاهای منطقه متناسب با طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی در این بخش محروم از جمله اهداف این سند اتلافی با ادارات پشتیبان در استان گلستان است. سیدمحمد حسینی مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان نیز از سوی استاندار به عنوان دبیر قرارگاه پیشرفت و آبادانی روستاهای استان گلستان انتخاب و معرفی شد. مطالعات طرح آبادانی و پیشرفت منظومه روستایی بخش و شمشگیر شهرستان آق‌قلا توسط پژوهشگاه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انجام شده است. علی‌محمد زنگانه استاندار گلستان در دیدار با مدیرعامل بنیاد علوی کشور، بخش و شمشگیر و شهر انبارالوم از توابع شهرستان آق‌قلا در شمال گلستان، با ۳۳ روستا و ۳۵ هزار نفر جمعیت، به عنوان منطقه هدف آبادانی و پیشرفت بنیاد علوی قرار گرفت. در این دیدار، کمبودهای شاخص بخش و شمشگیر، کمبود آب آشامیدنی، مدرسه، سالن ورزشی، مراکز درمانی، کتابخانه، جاده پرحخطر و راه‌های روستایی از سوی مدیرعامل علوی اعلام شد.

برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، بانک اطلاعاتی جامع از ایده‌ها و اقدامات برتر تشکیل و به مسوولان و دستگاه‌ها ارسال شد. دستیار استاندار گلستان در امر مردمی‌سازی افزود: هیات داوران متشکل از نخبگان، گروه‌های مردمی و صاحب‌نظران برای داوری نهایی ایده‌ها و اقدامات، تشکیل و در نهایت برترین‌های استانی انتخاب و در مراسم تقدیر خواهند شد و برای حضور در مرحله کشوری به ستاد ملی رویداد شهروندان معرفی می‌شوند و در سطح کشوری هم ایده‌های برتر تقدیر و حمایت خواهند شد. به گفته علوی: پس از پایان رویداد شهروندان در مقطع بزرگسالان، رویداد شهروندان در مقطع نوجوانان نیز با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط در استان آغاز شده که این بخش از رویداد هم با چهار هزار و ۷۱۶ ایده و اقدام، به مرحله نهایی رسیده و در حال حاضر در مرحله ارزیابی، غربالگری و ارسال به کمیته داوری قرار دارد.

گلستان به راه‌اندازی کمیته شهرستانی شهروندان همزمان با سراسر کشور در گلستان اشاره کرد و یادآور شد: این طرح با شعار «شهروندان، ایران در میدان» راه‌اندازی شده و اقشار مختلف و صاحبان ایده‌ها با همکاری دولت وارد میدان شده و با یکدیگر هم‌افزایی می‌کنند. علوی اضافه کرد: در رویداد مهم و اثرگذار شهروندان در گلستان ابتدا به ریاست فرمانداران محترم شهرستان‌ها و دبیری دستیاران فرماندار در امر مردمی‌سازی، کمیته شهرستانی رویداد با حضور مدیران مرتبط شکل گرفت و این کمیته در جلسات متعدد نسبت به برگزاری با کمیت و کیفیت مناسب رویداد، برنامه‌ریزی کردند. وی با بیان اینکه مرحله اول داوری توسط تیم ارزیابی و غربالگری از اوایل دی ماه انجام شد و چهار هزار و ۳۲۳ ایده و اقدام مردمی بررسی و غربالگری شد، گفت: از بین ایده‌های رسیده، ۸۳۰ ایده و اقدام، قابلیت ارائه به داوری داشت که با

دبیر طرح ملی شهروندان در گلستان از راهیابی ۸۳۰ ایده و اقدام مردمی به مرحله نهایی رویداد مردمی شهروندان در این استان خبر داد و گفت: این رویداد سه ضلع مدیران، حلقه‌های میانی و آحاد مردم را برای حل یک یا چند مساله در کنار هم جمع کرده است. سیدحسین علوی اظهار کرد: طرح شهروندان میدانی برای نقش‌آفرینی و هم‌افزایی مسوولان، حلقه‌های میانی، گروه‌های مردمی و آحاد مردم در راستای حل مسائل کشور است. وی شناسایی، الگو‌نمایی، ارزیابی، تجلیل، شتاب‌دهی و حمایت از ایده‌ها و اقدامات مردم‌پایه را از اهداف رویداد شهروندان برشمرد و افزود: رویداد شهروندان ثبت ایده‌هایی از جنس مردم دولت و اقدام مربوط به تجربیات موفق است که نقش دولت، نقش حلقه‌های میانه و نقش فعالان و گروه‌های مردم در آن کاملاً محسوس باشد. دبیر طرح ملی شهروندان در

### ۸۳۰ ایده به مرحله نهایی رویداد مردمی شهروندان راه یافت